

استفسار، از حجت الاسلام نمازی

آمریکا، امام زمان، یا امام زمان آمریکا، است؟

ف - بیان

حجت الاسلام نمازی دادستان کل حکومت اسلامی، حمله ی آمریکا به عراق را، از جمله مقدمات ظهور امام زمان میدانند! البته منظور اصلی ایشان اینست که، مردم هشیار باشید که اگر آمریکا قصد تعرض و براندازی را در ایران داشته باشد، دیگر شکی نیست که امام زمان ظهور خواهد کرد. حالا نمیدانم که ایشان از ظهور حضرتش بسی خوشحال هستند یا خیر؟ و آیا نظر ایشان هم، همانست که چند سال پیش، حضرت آیت الله جهرمی فرمودند، مبنی بر اینکه: باید زمینه را برای ظهور امام زمان آماده کرد. به هر رو اگر جواب مثبت باشد و این آرزوی دیرین حکام جمهوری اسلامی تحقق یابد، میبایستی از آمریکا سپاسگزار باشند.

این گفتار، از دو روحانی حکومت اسلامی، مرا بفکر فرو برد، که نکنند خدای نا کرده ملت مسلمان ایران، همچون ملت عراق، نه فقط از فرایض دینی خود غافل مانده است، بل، که در سایه این همه نعمت و ارزانی، و مهر و عطوفت انسانی که از طرف این دو حکومت به آنان هدیه شده است، چنان ناشکرانه به بختشان لگد زده اند، که دیگر کاسه ی بردباری امام زمان هم پر شده و برای جزای این ملت نمک شناس تصمیم به ظهور دارند. برای روشن کردن و رفع هر گونه شبهه و نگرانی، مجبور شدم، که مروری هر چند به اختصار از اعمال ملت ایران و سردمداران جمهوری اسلامی بعمل آورم، تا نعوض و بالله با ظهور ایشان حقی از حقدار ذایل نگردد، و ایشالله و تعالی با ظهور آن حضرت، مردم به آنچه برایش خون داده اند، دست یازند. قطعاً مردم ایران آنروزها را به فراموشخانه دلشان نسپردند، که ایت الله خمینی، پیش از ورودشان به ایران در چه بهشتی را برایشان گشودند، تشکیل شرکتهای تعاونی اسلامی کوچک و بزرگ، بمنظور عرضه ی ارزاق ارزان، ایستادن در ایستگاه های اتوبوس با کاسه ی پول خرد و داد سخن از به ارمغان آوردن آزادی و عدالت اجتماعی، و به کلامی، از ریشه کندن فقر و بقول خودشان کوخ نشینان را کاخ نشین کردن، و هنگام تشریف فرمائیشان به ایران و ایراد سخنرانی در بهشت زهرا، و شاه بیت آن سخنرانی که: شاه تا توانست قبرستانها را آباد کرد، و برق شادی در چشمان اشک آلود میلیونها انسان ایثارگر، و غرق در این اندیشه که، در تحت توجهات حکومت ایت الله، همین بهشت زهرائی را هم که آریامهر برای صد سال آینده ی تهرانیها در نظر گرفته بود، زیاد است. آیت الله گفت: من يك طلبه هستم و جای طلبه در مسجد، و بعد از تشکیل دولت، یکبار دیگر دریچه مهر و محبتش به ملت گل کرد و گفت، برق و آب و اتوبوس را هم باید مجانی کنید، بی شك بعد از اینهمه "رحمت و عطوفت" و بذل و بخششهای حرفی، غافل از این بود که اگر مردم با تکیه به باورهای مذهبییشان این حرفها را به جد گرفته و خواستار اجرایش باشند، چه باید به جوایشان گفت، از بد روزگار همین طور هم شد، و ملت ایران و از همه خوشخیال تر "روشنفکران" به این فکر افتادند، حالا که رهبر، اینهمه دست و دلبازی میفرماید، ما چرا، خواستهایمان را، که برایش خون داده ایم طلب نکنیم، بنابراین روزی نبود که از حقوق حقه ی گارگران صحبت نشود، از آزادیها سخن نگویند، همچنین از زنان و کودکان و معلولین و بالاخص، خواستار سریع وضع بد اقتصادی و بیکاری میلیونها انسان نشوند.

حضرت ایت الله، که در موقعیت فشاری، بحق مردم قرار گرفت، به ناگاه سیاست و روشی را در پیش گرفت، که این دو را تا بهنگام ورودش به ایران و سوار بر مرکب مراد از همگان پنهان کرده بود.

ایشان گفتند: "ما برای اقتصاد انقلاب نکرده ایم، ما برای ارزان شدن خربزه انقلاب نکرده ایم، ما برای اسلام عزیز خون داده ایم" و برای اینکه آب پاکی را هم روی دست امت مسلمان بریزد، و همه را شیر فهم کند گفت اصلاً: **اقتصاد مال خر است.**

و در جواب "چپها" و دیگر آزاد اندیشان، ترازوی شهید وزن کنی را بدست مبارک گرفت و گفت: "شماها که امروز همه ادعای طلبکاری میکنید، لکن يك شهید هم نداده اید" و چون این ترهات را در ملتی که برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی قیام کرده بود، بی اثر دید، از درگاه باریتعالی به توبه نشست، که چرا از تهران پارس تا میدان شهید را، برای این نمک شناسان به چوبه ی دار مزین نفرموده است، و در همین راستا بود که، بگیر و ببند ها شروع شد، و روز بروز حلقه را تنگتر کردند. حمله وری عراق به ایران هم گلی بود که به سبزه جمهوری اسلامی اضافه شد، تا به عدم توانائی و درایت از امر مملکتداری سرپوش بگذارد، چه رجز ها که خوانده نشد برای رهائی قدس از راه کربلا، و چه صداها که الان جنگ است و زمان هیچ حرف دیگر نیست در گلوها، که، خفه نکردند، چه جوانهای خردسالی را که در میدانی جنگ بر روی مین نفرستادند، و اگر زنده به پایگاه بر میگشتند، شب را هم باید در آغوش پاسدار و آخوندی هرزه بسر می آوردند، مردم از ترس موشک و بمبهای عراق به کوچ کردن متوصل شدند و اینهمه بمذاق آقایان خوش نیامد، چرا که هر چه بیشتر طلب شهید میکردند، و گوشه های فتح شده توسط لشگریان صدام برایشان مهم نبود، چرا که مقصد آزادی قدس عزیز بود با شعار اسلام در خطر است، سعی در خاموش کردن مردم را داشتند، و راستی که به اسم اسلام در خطر است، چه جنایتها که نکردند، چه تجاوزاتی که به مال و ناموس

این ملت روا نداشتند ، و چه پولها که از خانواده ی زندانیان سیاسی ، تیر باران شده ، بدلیل اینکه گلوله های مصرفی مال بیت المال است ، نگرفتند ، و چه خانواده ها را که مجبور کردند، بعد از اعدام دخترانشان ، که طبق شرع اسلام نباید باکره اعدام شوند ، دستمزداين تجاوز شرعی را با كيك و شیرینی به کمیته ها پردازند و تقدیم پاسدار ناداماد کنند ، دامنه ی کشت و کشتار را هم به خارج از کشور کشانیدند و ، بهترین فرزندان این آب و خاک را به خون در غلطانیدند ، در بهبوه ی سوار شدن بر مرکب قدرت همان سی متری (شهر نو) را هم به آتش کشیدند ، چرا که دیگر اخلاق اسلامیشان يك چنان چیزی را متحمل نمیشد ، اما بعد ها خود شهر نو اسلامی بپا کردند ، و چه دختران و مادران این ملك که برای امرار معاش به خود فروشی نیافتادند ، و چه ملیون ها جوان را که به اعتیاد نکشانیدند ، و مملکتی را که فقط هنگام تصرف میلیاردها ذخیره ارزی داشت به ورشکستگی اقتصادی و فساد مالی نکشانیدند ، و هزارها مثال دیگر که اگر روزی تاریخ نکبت بارو سیاه این دوران نوشته شود ، بی شك یکی از وحشتناکترین دوران تاریخی این سرزمین میباشد. این فقط گوشه ی کوچکی از کارنامه حکومتگرانی است ، که ضمناً خود ، از منتظران ظهور امام زمان هستند. برخلاف آنچه که تا بحال آخوند ها گفته اند و تصور کرده اند ، که گویا امام زمان فقط با اسبی سپید ظاهر خواهد شد و دنیا را با عدل و داد خودش پُر خواهد کرد ، یعنی از همان امام زمان هائی که برای تحمیق هر چه بیشتر مردم به جبهه ی جنگ روانه میکردند . اما این دین فروشان نمیدانند ، که امام زمان در چهره های مختلف ظهور میکند ، و از جمله بشکل و شمایل آمریکا ، اگر باور ندارند ، سرنوشت ملا عمر و صدام را ببیند ، و اگر باز هم باور ندارند از ملت مسلمان ایران بپرسند ، که ، چرا منتظر ورود امریکا برای رهائی خود هستند ، مگر نه اینکه این ملت شعور و اعتقادات مذهبیست درست تر از آخوند کار میکند.